



آیت الله جوادی آملی

معاد

زنده شدن یاد قیامت در دلها

رئیس‌گروه علم‌های انسانی و مطالعات فرهنگی

مجمع علوم انسانی

(اقتربت الساعة) یعنی قیامت خیلی نزدیک است (این احتمال نزدیکی قیامت کافی است برای اینکه انسان به یاد آن باشد، قرآن می‌فرماید اینها در حال غفلت رو برمی‌گردانند، معنی غفلت آن است که چیزی باشد و انسان توجه نکند، قرآن برای رفع این غفلت، جریان قیامت را مطرح می‌کند تا بجای غفلت تذکر ایجاد شود همانطور که ابراهیم و اسحق و یعقوب تذکر داشتند:

"وَأَذِّنْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ"
 "أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ إِنَّا أَخْلَصْنَا هُمْ"
 "بِمَخَالَصَتِي ذِكْرِي الذَّارِ" که بحث آن

که بدانیم قیامت نزدیک است و دور نیست بحث در این باره ضمن بیان آیات سوره معارج و احزاب گذشت، همچنین قرآن در آیه ۱، سوره انبیا و سوره قمر، قیامت را نزدیک می‌شمارد. آیه اول سوره انبیا: این چنین می‌فرماید:

"اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ"

— یعنی حساب مردم نزدیک شد (اقترب) بالا تر از قرب است مثل اقتدار که از آن معنی بی‌فهمیده می‌شود که از قدرت فهمیده نمی‌شود، نزدیکی کامل را اقترب می‌گویند

در بحث گذشته معلوم شد که قرآن کریم هدف رسالت انبیا را هم قیام مردم بالقسط والعدل می‌داند، هم تهذیب جان مردم و هم خروج آنها از ظلمت به نور، و گفتیم که رسیدن به هدف با اجرای حدود و فشار جدید مبسر نیست بلکه عامل رسیدن به تهذیب، طبق شواهد گذشته، یاد قیامت است.

اما عواملی که یاد قیامت را در دلها زنده می‌کند چیست؟ این موضوع بحث ما است، در این باره قرآن چند چیز را بیان می‌فرماید یکی نزدیک دانستن قیامت است

گذشت، یعنی یاد، قیامت این انبیا، رابه مقام رسانید، "ذکر الدار" یعنی به یاد خانه بودن چون اینجا معبر است و انسان در آن رهگذر وقتی رهگذر به یاد خانه باشد راه را سریعتر طی می کند.

بحث در این است که چه کسی این ذکری و تذکره الهی را می پذیرد. قرآن تذکر می دهد که چه کسانی قبول می کنند:

"ان هذه تذکره" چه کسی می پذیرد؟
 "تعیبا اذن واعیه" در قرآن "اذن" تعبیر شده است یعنی آن گوشهائی که وعاء و ظرف این ذکری و یاد آوری است، حرف وقتی از گوش به دل نشست می شود و عشاء و وقتی به گوش گذشت نهدل می شود معبر.

یکی از مصادیق اذن واعیه بفرموده رسول اکرم (ص) امیرالمومنین (ع) است در سوره قمر هم در آیه اول فرموده است "اقتربت الساعة و انشق القمر"

در سوره معارج و احزاب هم فرموده قیامت نزدیک است. در آیات سوره های انبیا و حشر و قیامت در بعضی می فرماید خیلی نزدیک است و در بعضی تعبیر به فردا می کند که اگر انسان فهمید نزدیک است به یاد آن خواهد بود و یاد قیامت نقش سازنده دارد. در سوره حشر، آیه ۱۸ می فرماید:

"یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و"
 "لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله"

که در این آیه با فاصله کم و کوتاه دو بار دستور تقوی می دهد و در وسط آیه دعوت به نظر و محاسبه می فرماید که ناظر به دو مطلب است یکی مراقب بودن که هر انسانی موظف است "رقیب" خود باشد و اعمال خود را یادداشت کند و هم "حسیب" خود باشد که آن اعمال یاد داشته شده را حسابرسی نماید که آیا ضرر کرده است و یا

نفع برده است. تقوای اول ناظر به مراقبت است "یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله، اتقوا الله در چه چیز؟ در اینکه مراقب باشید، اینطور نباشد که اعمال خوب را یادداشت کنید و کارهای زشت را فراموش کنید، و بعد از یادداشت حسابرسی خوبی هم باشید، و این مطلب از بیانات معصومین است که کسی که شبانه روز به حساب خودش نرسد ازمان نیست. وقتی انسان در تقوی مراقب بود و حساب خوب و بد را کرد اگر خوب بود بگوید: "ما بکم من نعمه من الله" و اگر بد بود بداند تقصیر خود اوست و توبه کند، مبادا توجه گر خوبی برای خودش باشد بلکه در مراقبت و محاسبه هر دو باید تقوی رعایت شود و در دنباله آیه هم می فرماید هسر انسانی ببیند که برای فردایش چه فرستاده است.

نکنید: "ولا تكونوا کالذین نسوا الله فانسا هم انفسهم" مبادا طوری باشید که خدا را فراموش کنید تا کم کم خودتان را هم خدا از یادتان ببرد که دیگر به فکر خودتان و انسانیت نباشید. قرآن می فرماید اینها که بیسار خدا نیستند فقط به فکر خودشانند. این خویشتن عقلی و حقیقی مان را فراموش می کنیم و فقط به فکر خویشتن طبیعی و مادی خود فرو می رویم که در این باره در سوره آل عمران آیه ۱۵۴ فرموده است: "قد اهتمم انفسهم" و در سوره حشر، آیه ۱۹ می فرماید: اینها خودشان را فراموش کرده اند. معلوم می شود انسان دارای حقیقت های گوناگون و درجاتی است، گاهی می فرماید "اینها خودشان را فراموش کردند" و گاهی می فرماید "اینها فقط به فکر خودشانند"، آن کس که

قرآن، قیامت را روز تجسم اعمال می داند

یعنی خود عمل بعینه ظاهر می شود و دامنگیر

انسان می شود که به هیچ وجه قابل انکار نیست

پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به فکر خود و آسایش بدن خویشتراست حقیقت واقعی خویش را فراموش کرده است. در سوره قمر هم از قیامت به فردا تعبیر شده است. وقتی درباره انبیا گذشته تکذیب قومشان را نقل می کند می فرماید:

"گذشت نمود بالندرج فقالوا ایشرا منا"
 "واحدنا ننبهنا اذا لقی ضلال وسع"
 "القی الذکر علیه من بیننا بل هو"
 "کذاب اشر سعلمون غدا من الکذاب"
 "الاشتر"

اینها یک سلسله عوامل "ذکر الدار" است که انسان به یاد قیامت باشد. مطلب دیگر که در یاد قیامت نقش دارد

قرآن قیامت را: ترا حکم اقرن و فرردا می داند لذا در جوامع روایی ما آمده است که اگر کسی فردا را به حساب عمر خودش بیاورد حق عمر را ادا نکرده است، حق عمر در وقتی ادا می شود که انسان، گذشته را به حساب عمر بیاورد نه آینده، مشکوک را پس قیامت نزدیک است و خدا هم "خبیصر" بما تعملون" است و می داند چه کردید و سریع الحساب است چون حسابرسی کامل است و می داند شما چه کردید ولی برای اینکه شما گذشته تان را ندانید و نعمتهائی را هم که در اثر اطاعت شما رسیده است قدر دانی کنید در حسابرسی تقوی را فراموش

این است که قرآن قیامت را روزتجسم اعمال می‌داند، یعنی خود عمل - بعینه - ظاهر می‌شود و دامنگیر انسان می‌شود که به هیچ وجه قابل انکار نیست. یک چنین صحنه‌ای که در پیش باشد انسان را وادار می‌کند به یاد آن روز باشد. در سوره آل عمران دو جا این مسئله را مطرح می‌کند.

در آیه ۱۶۱، در بعضی جنگها که غنائمی بدست آمده بود عده‌ای خواستند رسول الله را متهم کنند، بعد این آیه آمد: "وما كان لنبی ان یغل" - هرگز پیامبر اهل غسل و خیانت نیست، چرا؟ چون یک اصل کلی در قرآن است که هر کس خیانت کرد همان متن خیانتش در قیامت ظاهر می‌شود: "و من یغلل یات بما غل یوم القیمه" لذا قابل انکار نیست. در این صورت اگر کسی بداند که به هیچ وجه خیانت‌های او در دنیا قابل انکار نیست و یک رسوایی همگانی در پیش خواهد داشت آیا این کافی نیست که او را امین کند؟ این "ذکری الدار" کافی نیست که او را از خیانت برحذر بدارد؟ چون امروز، انسان خائن ممکن است در جاشی مخفی، کاری انجام دهد و شرمند نشود اما در قیامت چطور؟ آیا در قیامت هم ممکن است که کسی خود را پنهان کند و حفظ نماید؟

از رسول اکرم (ص) سؤال می‌کردند که جریان این کوه‌ها در قیامت چه می‌شود؟ "یسئلونک عن الجبال نقل ینسفها" "رسی نسا" خدا فرمود بگو که خدای من این کوه‌ها را می‌کوبد، تمام این ناهمواریها هموار می‌شود، تمام دره‌ها پر می‌شود و صاف، و هیچ کجی و تپه و تلی و کوهی باقی نمی‌ماند، این سرزمین قیامت است. و چشم انسان - طبق فرموده سوره ق - "حدید" و تیز بین است: "لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک عظامک فبحرک الیوم حدید"، بنابراین چشم، تیز است و انسان خائن یا متن عمل و خیانت خود ظهور می‌کند آن وقت جاشی برای استتار باقی نماند، آیا ممکن است انسان به یاد

این سه مطلب قرآن باشد و دستش به خیانت دراز شود؟

در آنجا مسئله رسوایی مهمتر از مسئله سوزش آتش است و اینکه در سوره آل عمران آیه ۱۹۲ دارد: "ربنا انک من تدخل النار فقد اخریته" سزای همین است، مسئله مهم این است که محکوم به آتش آبرو رفته است و این خیلی مهم است که از طرف دیگر یک عده "وجیه عبدالله" باشند مثل انبیا و مؤمنین و اولیا، کما اینکه در باره عیسی خدا می‌فرماید "وکان وجیها" اینها آبرومندند پیش خدا و آبروی آنها محفوظ است.

اگر کسی این سه آیه را کنار هم گذاشت و گفت - حجابی در قیامت نیست سرزمین قیامت هم صاف است، و چشم اهل محشر هم تیز است، و انسان خائن هم طبق آیه ۱۶۱ از آل عمران با متن خیانت روبرو می‌شود آن وقت این ذکری قیامت کافی نیست که انسان را امین کند؟

در جای دیگر در سوره آل عمران، آیه ۱۸۵ جریان بخل بخیلیها را طرح می‌کند و می‌فرماید:

"ولا یحسبن الذین ینخلون بما اتیمهم الله من فضله هو خیرا لهم" یعنی خیال نکنند کسانی که بخل می‌ورزند نعمتهای الهی را و در راهش صرف نمی‌کنند راه خیری را می‌روند، "بل هو شر لهم" - بخل برای اینها شراست، "سیطوفون ما یخلوا به یوم القیمه" - آن چیزی را که اینها به آن بخل ورزیدند طوق لعنتی می‌شود در قیامت به گردن آنها، خود این عمل حاضر است و ظاهر، خود این "ذکری الدار" است که انسان معتقد باین مطلب باشد که بخل، روز قیامت طوق گردن او خواهد شد. و مهمتر از همه گذشت و سخاوت در جان است که باعث شهید شدن است، اینهاش که یاد قیامت را از دست داده‌اند همین که صحبت جنگ و جهاد و دفاع می‌شود سنگین به زمین می‌چسبند، این مطلب را هم در سوره توبه، آیه ۳۸ بیان فرموده است و از

این افراد مذمت فرموده است: "یا ایها الذین آمنوا ما لکم اذا قیل لکم انغروا فی سبیل اللہ انما قلتم الی الارض" چرا بدنتان بر جانتان ترجیح پیدا کرده است؟ چرا سنگینها را به طرف زمین می‌گشانید؟ آیا راضی شدید به زندگی دنیا عوض آخرت؟ "فما متاع الحیوه الدنیا فی الاخره الا قلیل... دنیا در جنب قیامت یک متاع کمی است، به یاد آن متاع فراوان باشید تا جانتان را از چنگال زمین نجات بدهید، و اینرا هم بدانید که اگر شما به جبهه نرفتید اینچنین نیست که خدا دین را رها کند و کافر را پیروز کند، اگر شما نرفتید اول خدا عذاب دردناکی برای شما قرار داده است و دوم: "یستبدل قوما غیرکم" - عده دیگری را اعزام می‌کند و لا تضره شیئا واللہ علی کل شیء قذیر" بخل چه در نثار جان و چه در نثار مال اثر زشتش روز قیامت ظاهر می‌شود.

در آخر سوره محمد (ص) می‌فرماید: "ها انتم هو لا تدعون لتنفقوا فی سبیل اللہ" شما همانهایی هستید که دعوت می‌شوید تا در راه الله انفاق کنید، "فمنکم من یبخل و من یبخل فانما یبخل عن نفسه واللہ الغنی وان تتولوا" - استبدل قوما غیرکم ثم لا یكونوا امثالکم" اگر شما بخل ورزید خداوند دین را رها نمی‌کند بلکه عده‌ای سخی را که مثل شما نیستند بجای شما می‌آورد که "ذکری الدار" آنها را در نثار جان و مال سخی می‌کند. با توجه به این دو نکته در سوره توبه و سوره دیگر که بنام رسول الله است این مطلب معلوم می‌شود که اگر شما بخل ورزیدید خداوند عده دیگر سخی تر را اعزام می‌کند.

ادامه دارد